

# سلوک

در پرتو دستورالعمل‌های معصومین علیهم‌السلام

حسین روحانی‌نژاد

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



## سلوک

در پرتو دستورالعمل‌های معصومین علیهم‌السلام

حسین روحانی نژاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ دوم: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

طراح جلد: امیروحید سعیدی

چاپ و صحافی: آرزوی دیدار

سرشناسه: روحانی نژاد، حسین، ۱۳۳۸.

عنوان و نام پدیدآور: سلوک در پرتو دستورالعمل‌های معصومین علیهم‌السلام / حسین روحانی نژاد

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۵۶ص.

شابک: ۸ - ۴۹۲ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: آداب طریقت.

موضوع: \*Customs of the order.

موضوع: عرفان.

Mysticism. موضوع:

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: BP ۲۸۹/۶

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۰۰۶۶

**این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.**

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهیدبهشتی، تقاطع بزرگراه

شهید مدرس، پلاک ۵۶، تلفن: ۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۵۰۳۳۴۱

فروشگاه کتاب اندیشه: تهران: خیابان انقلاب، روبروی

درب اصلی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۴۸، تلفن: ۶۶۱۷۵۶۷۰

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

## فهرست

۱۱	بیشگفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۱۶	۱. تبیین موضوع.....
۱۷	۲. پرسش اصلی.....
۱۷	۳. پرسش‌های فرعی.....
۱۷	۴. ضرورت تحقیق.....
۱۸	۵. پیشینه تحقیق.....
۲۷	۶. هدف‌های تحقیق.....
۲۷	۷. فرضیه تحقیق.....
۲۸	۸. روش تحقیق.....
۲۸	۹. دشواری‌ها و چالش‌های تحقیق.....
۲۸	۱۰. نوآوری‌های تحقیق.....
۲۹	۱۱. ساختار تحقیق.....
۳۱	فصل اول: کلیات.....
۳۳	۱. مفهوم و ماهیت دستورالعمل سلوکی.....
۳۵	۲. مفهوم‌شناسی و چیرستی سنت سلوکی.....
۳۸	۳. اهمیت سنت سلوکی معصومان <small>علیهم‌السلام</small> و ضرورت تأسی به آنان.....
۵۳	۴. مختصات دستورالعمل‌های سلوکی معصومان <small>علیهم‌السلام</small> .....
۵۵	۴-۱. عقلانیت.....

## ۶ ■ سلوک در پرتو دستورالعمل‌های معصومین (ع)

۵۶.....	۲-۴. سهولت و رعایت حال ضعیف‌ترین آحاد امت.....
۵۸.....	۵. نمونه‌هایی از سنت و سیره سلوکی بعضی معصومان <small>علیهم‌السلام</small> .....
۵۸.....	۱-۵. سنت و سیره سلوکی پیامبر اعظم <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> .....
۶۳.....	۲-۵. سنت سلوکی امیرالمؤمنین، علی <small>رضی‌الله‌تعالی‌عنه</small> .....
۶۴.....	۳-۵. سنت سلوکی فاطمی.....
۶۸.....	۴-۵. سنت سلوکی امام حسن مجتبی <small>رضی‌الله‌تعالی‌عنه</small> .....
۷۰.....	۵-۵. سنت سلوکی امام حسین <small>رضی‌الله‌تعالی‌عنه</small> .....
۷۳.....	۶-۵. سنت سلوکی امام سجاد <small>رضی‌الله‌تعالی‌عنه</small> .....
۸۰.....	۶. غایت دستورالعمل‌های سلوکی معصومان <small>علیهم‌السلام</small> .....
۹۹.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل.....
۱۰۱.....	<b>فصل دوم: دستورالعمل‌های عام سنت‌محور.....</b>
۱۰۳.....	۱. بقطه.....
۱۰۵.....	توضیح و تحلیل.....
۱۰۹.....	۲. توبه.....
۱۱۰.....	توضیح و تحلیل.....
۱۱۶.....	۳. محاسبه.....
۱۱۷.....	توضیح و تحلیل.....
۱۱۸.....	۴. انابه.....
۱۱۹.....	توضیح و تحلیل.....
۱۲۳.....	۵. تفکر.....
۱۲۴.....	توضیح و تحلیل.....
۱۳۱.....	۶. یاد خدا.....
۱۳۲.....	توضیح و تحلیل.....
۱۳۴.....	۷. اخلاص.....
۱۳۶.....	توضیح و تحلیل.....
۱۵۳.....	۸. احسان.....
۱۵۳.....	توضیح و تحلیل.....
۱۶۱.....	۹. اطاعت.....

۱۶۲	توضیح و تحلیل
۱۶۳	۱۰. عبادت
۱۶۴	توضیح و تحلیل
۱۶۹	۱۱. انس با قرآن
۱۷۰	توضیح و تحلیل
۱۷۳	۱۲. دستورالعمل خلوت
۱۷۴	توضیح و تحلیل
۱۸۱	۱۳. جهاد با نفس
۱۸۱	توضیح و تحلیل
۱۸۷	۱۴. یاد مرگ
۱۸۷	توضیح و تحلیل
۱۸۹	۱۵. مجالست با نیکان
۱۹۰	توضیح و تحلیل
۱۹۴	۱۶. دعا
۱۹۵	توضیح و تحلیل
۱۹۷	۱۷. توسل
۱۹۸	توضیح و تحلیل
۲۰۵	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل
۲۰۹	<b>فصل سوم: دستورالعمل‌های خاص و جامع سنت محور</b>
۲۱۱	۱. دستورالعمل پیامبر ﷺ به علی <small>رضی الله عنه</small>
۲۱۳	توضیح و تحلیل
۲۱۴	اول: صدق
۲۱۵	دوم: ورع
۲۱۷	سوم: خوف
۲۲۰	چهارم: خشیت
۲۲۴	پنجم: ایثار
۲۲۵	ششم: عمل به سنت پیامبر ﷺ
۲۳۳	۲. دستورالعمل پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر

۲۳۵	توضیح و تحلیل
۲۳۶	۳. دستورالعمل دیگر رسول اعظم <small>ﷺ</small> به ابوذر
۲۳۷	توضیح و تحلیل
۲۳۷	الف) تقوا
۲۳۸	ب) تلاوت قرآن
۲۴۰	ج) صمت
۲۴۲	د) اجتناب از کثرت ضحک
۲۴۳	ه) تبسم و خوشرویی
۲۴۶	و) محبت به مسکینان و مجالست با آنان
۲۴۶	ز) حق‌گویی
۲۴۷	ح) ترسیدن از ملامت ملامتگران
۲۴۷	ط) دیدن عیوب خویش
۲۴۸	۴. دستورالعمل پیامبر <small>ﷺ</small> به قیس بن عاصم
۲۴۹	توضیح و تحلیل
۲۵۰	۵. دستورالعمل علی <small>ؑ</small> به همام
۲۵۳	توضیح و تحلیل
۲۵۷	۶. دستورالعمل امام باقر <small>ؑ</small> به جابر
۲۶۱	توضیح و تحلیل
۲۶۳	۷. دستورالعمل امام صادق <small>ؑ</small> به عنوان بصری
۲۶۸	توضیح و تحلیل
۲۷۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل
۲۷۳	<b>فصل چهارم: آثار و نتایج</b>
۲۷۶	۱. تقوا
۲۸۰	۲. بالا رفتن ظرفیت روحی
۲۸۴	۳. فلاح و ورود به بهشت و برخورداری از نعمت‌های اخروی
۲۸۶	۴. سرور رسول خدا <small>ﷺ</small> و انمه هدی <small>ﷺ</small>
۲۸۸	۵. احیای عقلی، لطافت روحی و بارقه‌های غیبی
۲۸۹	۶. رفاقت با بهترین‌ها

۲۸۹	.....	۷. برخورداری از وجود حقانی
۲۸۹	.....	۸. طراوت و سرزندگی قلوب
۲۹۳	.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل
۲۹۵	.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۰۹	.....	کتابنامه
۳۰۹	.....	۱. فارسی
۳۱۲	.....	۲. عربی
۳۱۹	.....	فهرست آیات
۳۲۷	.....	فهرست روایات
۳۳۵	.....	فهرست اشعار
۳۳۹	.....	نماینه
۳۴۷	.....	نماینه موضوعی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



## پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بار دیگر تعالیم متعالی و مرفعی اسلام، به عنوان معارف نجات‌بخش، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر گردید. تجدید حیات اسلام، از سویی سبب بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و از دیگر سو باعث نمایان شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب بشرساخته و نظام‌های مبتنی بر آنها در میان دیگر ملل شد.

بایستگی بسط تحقیق و مطالعه متفن و منسجم، نظریه‌پردازی و نوآوری در زمینه مبانی معارف دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت عالمانه و روزآمد به «حوادث واقعه فکری»، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز رهایی‌بخش و نیز لزوم آسیب‌شناسی فرهنگ ملی، دفاع درست و دقیق از دین و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی آن و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی- پژوهشی ممحض و کارآمدی را فرض می‌نمرد. به اقتضای ضرورت‌های پیشگفته، حسب‌الامر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش و تدبیر آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان نهادی علمی- فکری، دانشگاهی- حوزوی، در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

پژوهشگاه دارای شخصیت حقوقی مستقل و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی است که اکنون در قالب چهار پژوهشکده «حکمت و دین‌پژوهی»،

«نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی»، «دانشنامه‌نگاری دینی» و چند مؤسسه وابسته، برای تحقق هدف‌های مذکور در اساسنامه مصوب خود، فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی که مشتمل بر هفت گروه علمی با عنوان‌های «معرفت‌شناسی»، «قرآن‌پژوهی»، «تخصص علوم انسانی قرآنی»، «فلسفه»، «کلام»، «عرفان» و «منطق فهم دین» است، برای تحقق هدف‌های زیر فعالیت می‌نماید:

۱. بازپژوهی و بازپیرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق و پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
۴. پاسخ به شبهات القایی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی.
۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های معارض در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی گروه عرفان متشکل از دانش‌آموختگان دانشگاهی و حوزی و در راستای دانش عرفان به‌ویژه با رویکرد کتاب و سنت به مطالعه و پژوهش مشغول هستند. هر عضو هیئت علمی برای خود یک طرح تمحیض تعریف کرده‌اند؛ از قبیل طرح تمحیض فلسفه عرفان، عرفان نظری اهل‌بیتی، عرفان عملی اهل‌بیتی و اسرار عرفانی عبادات؛ و گروه برای تحقق هدف‌های زیر فعالیت می‌نماید:

۱. بازپژوهی و نقادی میراث معرفتی اسلامی در زمینه‌های طرح تمحیض‌ها

و...

۲. بازآرایی و ارائه مناسب معارف اسلامی به زبان زمان با لحاظ نظر‌ها و نیازهای نوپدید در حوزه‌های یاد شده.

۳. استنباط معارف عرفانی از منابع معتبر معرفتی به‌ویژه منبعی همچون

کتاب و سنت و نوآوری و نظریه‌پردازی در حوزه‌های موضوعی گروه.

۴. بررسی‌های مقایسه‌ای مکاتب و آرا و مطالعات بینارشته‌ای در قلمرو

موضوعی گروه.

۵. نقد مسلک‌ها و آرای انحرافی و معارض و پاسخ‌گویی به شبهات القایی در قلمرو عرفان و معنویت اسلامی.

یکی از حوزه‌های معرفتی-سلوکی مورد اهتمام ویژه پژوهشگاه در گروه عرفان، حوزه تمحص عرفان عملی اهل‌بیتی است که با پژوهش عمیق و دقیق و با تکیه بر کتاب و سنت و سیره عملی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام که در منابع معتبر شیعه آمده است، به استخراج، توصیف و تحلیل مسائل عرفان عملی اهل‌بیتی پرداخته و تا کنون چند اثر را در این زمینه منتشر کرده است.

پژوهش حاضر با عنوان «دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم‌السلام»، پژوهشی تأسیسی است. نگارنده این اثر حجت الاسلام والمسلمین حسین روحانی‌نژاد عضو هیئت علمی گروه عرفان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. نگاهی گذرا بر آثار مؤلف، نشان می‌دهد وی در زمینه عرفان عملی با تکیه بر کتاب و سنت، مطالعات گسترده و متنوعی دارد و آثار او علاوه بر اشتغال بر آموزه‌های سلوکی کتاب و سنت، مشحون از آموزه‌های عرفان اصیل اسلامی است. مهم‌ترین آثاری که از این پژوهشگر به زیور طبع آراسته شده، عبارت‌اند از: ۱. مواجید عرفانی؛ ۲. ولایت در عرفان؛ ۳. نقد عرفان‌های صوفیانه؛ ۴. درآمدی بر مبادی و مبانی سلوک از منظر قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ ۵. درآمدی بر مقامات سلوک از منظر قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام.

اثر حاضر در چهار فصل و یک خاتمه سامان یافته و در آن، مباحثی چون: «ماهیت دستورالعمل و سنت سلوکی»، «مختصات دستورالعمل‌های سلوکی آنان»، «دستورالعمل‌های عام سنت‌محورانه»، «دستورالعمل‌های خاص سنت‌محورانه» و «پاره‌ای از آثار و نتایج دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم‌السلام» مطرح شده است.

در پایان از همه اعضای محترم شورای علمی گروه عرفان و ارزیابان محترم حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد رودگر و آقای دکتر محمد فنایی اشکوری و به‌ویژه مؤلف گرامی که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند و سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مسئولیت

آماده‌سازی، انتشار و توزیع آن را بر عهده دارد، قدردانی نموده، توفیقاتشان را از خدای سبحان خواستاریم و از استادان و صاحب‌نظران درخواست می‌شود با ارائه نظرهای ارزنده خود، ضمن کمک به تکمیل این تحقیق ارزشمند، ما را در ارائه آثار برتر دیگر یاری فرمایند.

گروه عرفان

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی

## مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي  
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ الي قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

سلوک معنوی و عبادی، از کهن‌ترین و مهم‌ترین تجلیات نیازهای روحی بشر است که در طول تاریخ جلوه‌های بسیار داشته است. بسیاری از مردمان اعمالی خودساخته انجام می‌دادند و افراط و تفریطها می‌کردند. بسیاری هم به پرستش مظاهر طبیعت و بت‌ها می‌پرداختند و عده‌ای نیز عبادت را در خلوت و عزلت منحصر می‌دانستند. انبیا به خصوص خاتم آنان ﷺ علاوه بر تصحیح نگرش و بینش مردمان، به تصحیح سلوک عبادی آنان می‌پرداختند و به فرمان الهی نهادهای عبادی مقرب و موجب کمال، تشریح می‌کردند و پیرایه‌های پرستش را از ساختار سلوکی می‌ستردند و عبادت‌هایی را با جوهره‌ای مشترک و لو در بعض آیین‌ها متفاوت، تشریح می‌کردند.

اسلام برای چگونه زندگی کردن و به چه سبکی سلوک کردن، در همه عرصه‌های زندگی به خصوص در نحوه تقرب به حضرت حق که کمال انسان در گرو آن است و قرب به او غایت آمال عارفان است، برترین و بهترین الگوها را ارائه فرموده است. بشریت باید سبک زندگی رسول اعظم ﷺ و جانشینان به‌حق او را به عنوان عالی‌ترین سبک زندگی و الگوی عینی الهی، همواره نصب‌العین و مبنای سیر و سلوک خود قرار دهد.

در عرفان اهل بیتی و سیر و سلوک بر اساس رهنمودهای پیامبر ﷺ و ائمه هدی ﷺ، آنچه مهم است، شناختن سبک رفتار پیغمبر ﷺ و ائمه ﷺ است که الگوهای عملی در سیر و سلوک الی الله هستند. انسان بدون اسوه و الگوی خوب، راه به جایی نمی‌برد و اگر از اسوای حسنه، الگو نگیرد، ناگزیر الگوهای کاذب و منفی را مقتدای خویش قرار می‌دهد. اسوه حسنه، انسان کامل است که در همه ابعاد، قابل تبعیت است. کسی که فاقد اسوه حسنه طی طریق کمال باشد، اسیر شیاطین گشته، خلأ وجودی اسوه حسنه را با اسوهای سینه پر می‌سازد.

از جمله سنت‌هایی که بین اهل معرفت و سلوک متداول است، سنت دستورالعمل سلوکی است. این دستورالعمل‌ها معمولاً با وضعیت روحی و معنوی طالبان سیر و سلوک الی الله متناسب بوده است. گاه استاد سلوکی به صورت شفاهی، اذکار و اوزان خاصی را به طالب سلوک، تلقین می‌کرده و طالب باید در بازه زمانی چهل روز که به آن اربعین یا چله گفته می‌شود، مطابق دستور استاد و راهنمای سلوکی، به آن عمل کند و حالات و منامات و مکاشفات خود را برای استاد گزارش کند تا از صحب سلوک خود مطمئن شود و گاه دستورالعمل، در قالب مکتوبی بلند یا کوتاه، ارائه می‌شده است.

### ۱. تبیین موضوع

عرفان عملی که سیر و سلوک انسان به سوی خدا و مربوط به حوزه عمل سالک است، گاه بر خود رفتار و سلوک و شهود عارف اطلاق می‌شود و گاه بر دستورالعمل‌هایی که راهکارهای عملی سیر و سلوک عارف و چگونگی وصول به مقصد است.<sup>۱</sup> این تحقیق، به تلقی دوم ناظر است؛ یعنی دستورالعمل‌های سلوکی معصومین ﷺ.

۱. ر.ک: عبدالله جوادی آملی؛ عین نضاح (تحریر تمهید القواعد)؛ ج ۱، ص ۱۴۵.

## ۲. پرسش اصلی

مسئله اصلی که در این تحقیق محور بحث است، این است که آیا در سنت و سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، دستورالعمل‌هایی برای سیر و سلوک به سوی حضرت حق وجود دارد، یا نه؟

## ۳. پرسش‌های فرعی

پرسش‌های فرعی تحقیق که برآمده از پرسش اصلی است و سعی شده به آنها پاسخ داده شود، عبارت‌اند از:

- ۱-۳. معنا و ماهیت دستورالعمل‌های سلوکی چیست؟
- ۲-۳. مختصات و ویژگی‌های دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم السلام چیست؟
- ۳-۳. اقسام دستورالعمل‌های معصومین علیهم السلام کدامند؟
- ۴-۳. دستورالعمل‌های سلوکی عام معصومین علیهم السلام کدامند؟
- ۵-۳. دستورالعمل‌های سلوکی خاص معصومین علیهم السلام کدامند؟
- ۶-۳. دستورالعمل‌های سلوکی سنت‌محور معصومین علیهم السلام کدامند؟
- ۷-۳. دستورالعمل‌های سلوکی سیره‌محور معصومین علیهم السلام کدامند؟
- ۸-۳. مراتب دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم السلام کدامند؟
- ۹-۳. دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم السلام چه آثار و نتایجی در بردارند؟

## ۴. ضرورت تحقیق

عطش عرفانی و معنوی در جامعه پس از انقلاب اسلامی ایران به رهبری عارف نامدار معاصر، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی رحمته الله علیه از یک سو و سربرآوردن مدعیان سیر و سلوک و صدور دستورالعمل‌های رنگارنگ و گوناگون از سوی دیگر، جست‌وجو و پژوهش برای دستیابی به دستورالعمل‌های معصومین علیهم السلام را ضروری می‌سازد؛ لذا نگارنده در این تحقیق کوشیده است در

حد توان، آموزه‌ها و دستورالعمل‌های سلوکی - عرفانی معصومین علیهم‌السلام را از سنت و سیره عملی آنان، استخراج و با توصیف و تحلیل ارائه کند.

با پژوهش برای دستیابی به دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم‌السلام و مراجعه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام، این واقعیت، معلوم و مسلم شد که پاره‌ای از دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم‌السلام در قالب مکاتیب، پاسخگوی پرسش‌های اهل سلوک بوده و آنان را به تقوا، ورع و سلوک الی الله دعوت و تشویق می‌کرده‌اند. در این میان، مکاتیب امام العارفین، امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام سالکان را به صراط مستقیم سلوک و تعالی روحی فرا می‌خواند. بخشی از آن نامه‌ها در کتاب شریف نهج البلاغه آمده است؛ نیز از دیگر ائمه اطهار علیهم‌السلام نامه‌هایی که دربرگیرنده دستورالعمل‌های سلوکی و معنوی است، در مجموعه‌هایی تحت عنوان مکاتیب یا رسائل گرد آمده است، مانند مکاتیب الانمه، تألیف علی اجسمی میانجی و معادن الحکمة فی مکاتیب الانمه، تألیف علم الهدی محمد بن محسن فیض کاشانی.

در میان علمای ربانی و مریبان روحانی نیز به پیروی از انمه اطهار علیهم‌السلام، این سنت حسنه برقرار بوده است که از آن جمله می‌توان به نامه‌های عرفانی اسوه‌های ایمان و تقوا ابن طاووس، علامه حلی، شهید ثانی، خواجه نصیر طوسی، ملا حسین قلی همدانی، سیدعلی آقا قاضی، آقا محمد بیدآبادی، شیخ محمد بهاری همدانی، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، امام خمینی، آیت‌الله بهجت و دیگر برجستگان علم و عمل (رضوان الله علیهم) اشاره کرد. این دستورالعمل‌های سلوکی، جان تشنگان معنویت و طالبان طریق فلاح و رستگاری را از زلال کوثر قرآنی و عرفانی سیراب می‌سازد و تا عمق جان‌ها نفوذ و رخنه می‌کند.

## ۵. پیشینه تحقیق

سلوک، گاه به مکتب نسبت داده می‌شود؛ مانند مکتب بغداد، مکتب خراسان، مکتب بصره و مکتب ابن عربی و گاه به منطقه جغرافیایی که



نشان‌دهنده این است که در بعضی ادوار، مناطق فرهنگی در شکل بخشی به اندیشه و سلوک نقش داشته است و گاه به شخص نسبت داده می‌شود و خطوط شخصیتی مطرح است. واژه مکتب، ناظر به دسته‌بندی و عمدتاً دسته‌بندی افکار است و در دسته‌بندی، دوره‌بندی، بسیار جدی است.

سلوک عرفانی، نوعی طریق معرفت است و طریق معرفت با اصطلاحاتی چون کشف و شهود و وجد و وجود همراه است. به این طریقه معرفت تجربه عرفانی گفته می‌شود. معرفت حاصل از تجربه عرفانی، برخاسته از تجربه عرفانی خاصی است و غیر از تجربه حسی است.

در مسئله سلوک با یک نوع تعدد و اختلاف طریقه، مسلک و مدل سلوکی مواجه هستیم؛ تا آنجا که بین اهل معرفت معروف است که «الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق»<sup>۱</sup> و در بعضی موارد، تعبیر «الطرق الی الله بعدد الانفس الالهیه» آمده است و مراد از «الانفس الالهیه» شئون متجدده او در هر آنی بر هر مظهری است.<sup>۲</sup>

علامه مجلسی پس از اشاره به تفاوت فهم‌ها و عقل‌های مردمان در قبول مراتب عرفان و تحصیل اطمینان، از حیث کمیت، کیفیت، شدت و ضعف، سرعت و کندی، به جمله «الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق» استناد کرده و آیه «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» را برای این تفاوت شاهد می‌آورد؛<sup>۳</sup> اما استناد او به معنای تلقی آن به عنوان حدیث نیست؛ البته برخی این جمله را سخن پیامبر ﷺ دانسته‌اند؛<sup>۴</sup> از این رو برای بیان پیشینه تحقیق به بعضی دستورات العمل‌ها و مدل‌های سلوکی اشاره می‌کنیم.

نجم‌الدین کبری طریقه‌ها، مسلک‌ها و مدل‌های سلوکی را در سه مدل،

۱. مؤیدالدین جندی؛ شرح فصوص الحکم؛ ص ۴۴۰ / داوودبن محمود قیصری؛ شرح فصوص الحکم؛

ص ۱۵۰ / عبدالرزاق کاشانی؛ شرح منازل السائرین؛ ص ۹۶۵.

۲. عبدالرزاق کاشانی؛ شرح منازل السائرین؛ ص ۹۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴، ص ۱۳۷.

۴. عبدالرحمن جامی؛ نقد النصوص؛ ص ۱۸۵.

منحصر ساخته است:

اول: طریق ارباب معاملات که به کثرت روزه و نماز و تلاوت قرآن و حج و جهاد و دیگر اعمال اهتمام دارند و این، طریق اخیار و خوبان است و کسانی که از این طریق در زمان طولانی به مقصد واصل شوند، بسیار اندک‌اند.

دوم: طریق اصحاب مجاهدات و ریاضات در تبدیل اخلاق و تزکیه نفس و تصفیه قلب و تخلیه روح و سعی در آنچه به عمارت و آبادانی باطن، تعلق دارد و این، طریق ابرار و نیکان است. اهل وصول با طی این طریق، از گروه پیشین، بیشترند.

سوم: طریق اهل سیر و سلوک الی الله که اهل طیران‌اند و بر براق عشق حق پرواز می‌کنند و این «طریق شطار» است که اهل عشق و محبت‌اند.<sup>۱</sup>

ابوحامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق) دو طرح و مدل سلوکی ارائه کرده است: یکی در کتاب جواهر القرآن که آن را در چهل باب سامان داده است: ده باب در عقاید و ده باب در عبادات ظاهری و ده باب در اعمال باطنی که مهلکات نامیده می‌شوند و ده باب در اعمال باطنی که منجیات نامیده می‌شوند و دیگری در کتاب منهاج العابدین او آمده است که مشتمل بر هفت عقبه است که سالک باید از آنها عبور کند.

غزالی مدل سلوکی‌ای را که در جواهر القرآن ارائه کرده است، مبتنی بر مقاصد قرآن می‌داند که بخشی از آن به علومی ارتباط دارد که حاصل آنها را در ده اصل قرار داده و بخشی به اعمال باز می‌گردد که به دو قسم اعمال ظاهری و اعمال باطنی تقسیم می‌شوند. همه اعمال ظاهری به ده اصل باز می‌گردند و اعمال باطنی به دو قسم منقسم می‌شوند: قسمی که واجب است قلب از آنها تزکیه و پیراسته شود و آنها عبارت‌اند از صفات ناپسند و اخلاق نکوهیده که در ده اصل قابل ساماندهی‌اند و اخلاق پسندیده نیز به ده اصل باز می‌گردند؛ بنابراین این مدل سلوکی غزالی، مشتمل بر چهار بخش است که عبارت‌اند از:

۱. ر.ک: نجم‌الدین کبری: *فوائد الجمال*؛ ص ۹۰-۹۱.

۱. معارف؛ ۲. اعمال ظاهری؛ ۳. اخلاق مذموم؛ ۴. اخلاق محمود. هر یک از این چهار بخش، مشتمل بر ده اصل است که مجموعاً بالغ بر چهل اصل می‌شود.<sup>۱</sup>

یک طرح و مدل سلوکی دیگری هم غزالی در کتاب منهاج العابدین ارائه کرده و مشتمل بر هفت عقبه است<sup>۲</sup> و مدعی است کسی که از آنها عبور کند، تهذیب و پاک‌سازی باطن از پستی‌ها برای او حاصل می‌شود. این هفت عقبه به اختصار عبارت‌اند از:

عقبه اول: عقبه علم؛

عقبه دوم: عقبه توبه؛

عقبه سوم: عقبه عوائق (که دارای چهار عائق است: عائق اول: دنیا؛ عائق

دوم: خلق؛ عائق سوم: شیطان؛ عائق چهارم: نفس)؛

عقبه چهارم: عقبه عوارض؛

عقبه پنجم: عقبه بواعث؛

عقبه ششم: عقبه القوادح (که دو قادح دارد: قادح اول: عدم اخلاص؛ قادح

دوم: عجب)؛

عقبه هفتم: عقبه حمد و شکر.<sup>۳</sup>

یک طرح و مدل سلوکی از ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸ ق) در کتاب مواقع النجوم است که بر اساس توفیق بنا شده و مراحلی به هم پیوسته دارد و مفصل است. ابن عربی معتقد است برای سلوک، توفیق الاهی لازم است، پس

۱. ابوحامد محمد غزالی؛ جواهر القرآن و درره؛ ص ۶-۹.

۲. اصل این طرح و مدل سلوکی که در صفحه ۲۱ منهاج العابدین الی جنبه رب العالمین آمده، به نحو اجمال این است: «العقبه الاولي: عقبه العلم - العقبة الثانية: عقبه التوبة - العقبة الثالثة: عقبه العوائق (الدنيا و الخلق و الشيطان و النفس) - العقبة الرابعة: عقبه العوارض - العقبة الخامسة: عقبه البواعث (الرجاء و الخوف) - العقبة السادسة: عقبه القوادح (الرياء و العجب) - العقبة السابعة عقبه الحمد و الشکر».

۳. برای تفصیل بیشتر به منهاج العابدین مراجعه فرمایید. این توضیحات مختصر برگرفته از آغاز تا پایان این کتاب است.

باید از خدا طلب توفیق کنیم. باید بدانیم از خدا چه چیز بطلبیم. در سلوک در گام اول، توفیق بخواهیم.

ابن عربی سه مرحله برای توفیق بیان می‌کند: مرتبه اول آن، که اسلام است و انسان را مسلمان می‌کند و به اعتدال سوق می‌دهد. در مرحله مسلمانی، سالک، منقاد و رام دستورهای شرع است. به طور خلاصه، وی در این مدل، هر فضیلتی را نتیجه توفیق مقسوم (توفیقی که قسمت شده است)، قرار داده و گفته است که توفیق بر وزن تفعلیل از ماده موافقت است و آن، معنی ای است که هنگام انجام هر فعلی، مقوم به نفس است و او را از مخالفت با حد مشروع آن، منع می‌کند؛ پس مطلوب انسان در حقیقت، کمال توفیق است و کمال توفیق، همراهی آن در همه احوال اوست و آنگاه که به کمال رسد، از آن به عصمت، تعبیر می‌شود و آن به عنایت خدای متعال نسبت به عبد است قبل از آنکه در وجود آید و در قول خدای تعالی: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ»<sup>۱</sup> از آن، تعبیر به قدم صدق شده است. توفیق، قائد انسان به سوی هر فضیلتی و برانگیزاننده او برای طلب استقامت و هدایتگر او به سبیل سلامت است.

توفیق بدایتی دارد و وسطی و غایتی. بدایت آن، اسلام، یعنی انقیاد کلی مستجمع مقامات تفویض، توکل، تسلیم و رضاست و وسط آن، ایمان است که مقصودم تصدیق به همه آن چیزی است که رسول الله ﷺ آورده است، به همان‌گونه که مراد خدا و رسول اوست و غایت آن، احسان است با مراتب آن. نتیجه اسلام آوردن این است که خون‌ها و اموال را حفظ می‌کند و نتیجه ایمان این است که نفوس را از ظلم ضلالت و گمراهی و اضلال و گمراه کردن، حفظ می‌کند و نتیجه احسان، این است که ارواح را از رؤیت اغیار و اضلال و سایه حفظ می‌کند و به آن حیا و مراقبت بر کمال، می‌بخشد و در نتیجه، به سبب آن، برای نفس، برخورداری از خواسته‌های جنان و برای چشم، لذت

مشاهده رحمن و برای روح، تنعم و بهره‌مندی به حقایق امتنان، حاصل می‌شود. برای هر یک از مبتدی، متوسط و منتهی، توفیق علی‌حده است و مردم در نتایج توفیق بر دو قسمتند: بعضی از آنها به کمال دست می‌یابند و بعضی به آنچه خدای دانای حکیم برای وی مقدر فرموده است.

مبدأ آن تو را از حسّت، فانی می‌کند و وسط آن، تو را از نفست و غایت آن، خورشیدت را (شاید مراد او وجود حقانی باشد) به تو می‌بخشد، مبدأ آن کرامات را که خرق عادات نامیده می‌شوند، به تو عطا می‌کند و وسط آن فنای از صفات را به شهود فنای کل در احدیت ذات، افاده می‌کند و آخر آن مفید تنعم به مشاهده ذاتی.

در مرتبه دوم توفیق، ایمان است؛ یعنی پذیرش قلبی آنچه پیامبر آورده است. با این باور، قلب انسان از ظلمت و جهالت بیرون می‌آید و از مرتبه نفس وارد مرتبه قلب می‌شود. وقتی سالک از مرحله نفس و اسلام، وارد قلب و ایمان می‌شود، در مرحله انابه است و کسی به سمت خدا بر می‌گردد که توبه‌اش پذیرفته شده باشد. انابه، نشانه صحت توبه است و توجه توبه، حزن است و در ادامه حزن، خوف است و از فواید خوف، خلوت‌گزینی و درون‌نگری است. تفکر، ثمره خلوت‌گزینی است. نتیجه تفکر هم ذکر و یاد محبوب است.<sup>۱</sup>

---

۱. خواجه عبدالله انصاری؛ *منزل السائرین*؛ ص ۴۳ می‌گوید «التذکر فوق التفکر، فإنّ التفکر طلب، و التذکر وجود»؛ تفکر فقدان است و تذکر، وجدان، پس تذکر بالاتر از فقدان، و ثمره آن است. امام خمینی (قدس سره القادوسی) در کتاب *گوانسنگ شرح چهل حدیث*؛ ص ۲۹۱ در فرق بین منزل تفکر و تذکر سخن خواجه را نقل و تبیین و تأیید کرده می‌فرماید: «جناب خواجه عبدالله فرماید: التذکر فوق التفکر، فإنّ التفکر طلب، و التذکر وجود». تذکر فوق تفکر است؛ زیرا که این طلب محبوب است و آن، حصول مطلوب». تا انسان در راه طلب و دنبال جست‌وجو است، از مطلوب محجوب است. چنانچه به وصول به محبوب از تعب تحصیل فارغ آید و قوّت و کمال تذکر بسته به قوّت و کمال تفکر است و آن تفکر که نتیجه‌اش تذکر تام معبود است، در میزان سایر اعمال نیاید و با آنها در فضیلت طرف مقایسه نشود، چنانچه در روایات شریفه از عبادت یک سال و شصت سال و هفتاد سال تفکر یک ساعت را بهتر شمرده‌اند».

نتیجه ذکر هم، حس کردن حضور حق و مراقبه است. در ادامه، حیا می‌کند.<sup>۱</sup> حیا را باید از نتیجه‌اش شناخت. نتیجه حیا، حفظ حدود شرعی است؛ پس حیا موجب ادب می‌شود؛ زیرا ادب می‌تواند ما را وادار به حفظ حدود کند. انسان با ادب، نه ناامید می‌شود و نه گستاخ. نتیجه این ادب و حفظ حدود هم، قرب به خدا، متصف شدن به صفات او و تخلق به اخلاق او است:

از خدا جویم توفیق ادب      بی ادب محروم گشت از لطف رب  
بی ادب تنها نه خود را داشت بد      بلکه آتش در همه آفاق زد  
از ادب پر نور گشته است این فلک      وز ادب معصوم و پاک آمد ملک<sup>۲</sup>

نتیجه این قرب، انس با خداست. نتیجه انس هم درخواست و سؤال است؛ این سؤال اجابت را به همراه دارد. سالک به اینجا که می‌رسد، به مرتبه سوم توفیق قدم می‌گذارد که احسان است. سالکی که به مقام احسان می‌رسد، قطب است که ابوالوقت است.<sup>۳</sup>

مدل دیگر سلوک از شیخ جلیل خواجه عبدالله انصاری در کتاب منازل السائرین است که مقامات و منازل سلوکی را در ده بخش که بیانگر اصول و امهاتند، قرار داده است و از بدایات آغاز می‌شود و به نهایات پایان می‌یابد. هر یک از این بخش‌ها، خود دارای ده باب است و بدین سان این مدل سلوکی در صد باب سامان یافته است. مطالب هر یک از این ابواب، به نوبه خود در سه درجه تنظیم شده است: درجه عامه، درجه سالک و درجه محقق. شیخ جلیل کتاب منازل السائرین را در سال‌های آخر حیات دنیوی خویش، در سن هشتاد و یک سالگی (سال ۴۷۵ ق)، تألیف کرد.<sup>۴</sup>

۱. نقة الاسلام کلینی؛ کلامی؛ ج ۲، ص ۱۰۶ درباره الحیاء نقل کرده است که از پیامبر نقل است که حیا بر دو گونه است: حیای عقل که علم است و حیای حماقت که جهل است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَيَاءُ حَيَاءَانِ حَيَاءٌ عَقْلِيٌّ وَ حَيَاءٌ حُمُقِيٌّ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمُقِ هُوَ الْجَهْلُ».

۲. جلال‌الدین محمد مولوی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، ص ۹.

۳. ر.ک: محیی‌الدین عربی؛ مجموعه رسائل ابن عربی؛ ج ۳، ص ۲۵۱-۲۷۳/ محمد ابن حمزه فناری؛ مصباح الأُنس بین المعقول والمشهود؛ ص ۱۴۸-۱۴۹.

۴. خواجه عبدالله انصاری؛ منازل السائرین؛ ص ۱۳-۱۴.

در این مدل سلوکی، برای سیر و سلوک انسان، منازلی وجود دارد که اصول و امّهات آنها ده منزل است و از بدایات آغاز و به نهایت ختم می‌شوند. میان بدایات و نهایت، هشت منزل متوسط قرار دارد. هر منزل و مقامی دارای ده باب است که در مجموع به صد باب بالغ می‌شوند. هر بابی از این ابواب دارای سه درجه است، درجه عامّه و مبتدی، درجه سالک و متوسط و درجه محقق و منتهی. هر مقامی، اصلی به شمار می‌آید که دارای فروع و درجاتی است. هر یک از مقامات صدگانه به ده قسم تقسیم می‌شوند. سیر انسان به سوی حق، از طریق باطن صورت می‌پذیرد؛ هرچند که از ظاهر مدد می‌گیرد و میان ظاهر و باطن، ترابط و تعامل برقرار است.

هر مقامی، اصلی به شمار می‌آید که دارای فروع و درجاتی است. هر یک از مقامات صدگانه به ده قسم تقسیم می‌شوند.

سیر انسان به سوی حق، از طریق باطن صورت می‌پذیرد؛ هرچند که از ظاهر مدد می‌گیرد و میان ظاهر و باطن، ترابط و تعامل برقرار است و هیئت‌های بدنی به حیّز نفس و قلب صعود می‌کنند و هیئت‌های نفسانی و قلبی به سوی ظاهر هبوط می‌نمایند.

اصول و امّهات منازل عبارت‌اند از: بدایات، ابواب، معاملات، اخلاق، اصول، اودیه، احوال، ولایات، حقائق و نهایت.

بدایات، خود دارای ده باب است: یقظه، توبه، محاسبه، انابه، تفکر، تذکر، اعتصام، فرار، ریاضت و سماع.

قسم ابواب نیز دارای ده باب است: حُزن، خوف، اشفاق، خشوع، اخبات، زهد، ورع، تبتّل، رجا و رغبت.

قسم معاملات نیز دارای ده باب است: رعایت، مراقبه، حرمت، اخلاص، تهذیب، استقامت، توکل، تفویض، ثقه و تسلیم.

اخلاق نیز ده باب دارد: صبر، رضا، شکر، حیا، صدق، ایثار، خُلق، تواضع، فتوّت و انبساط.

اصول نیز دارای ده باب است: قصد، عزم، اراده، ادب، یقین، انس، ذکر،

فقر، غنی و مقام مراد.

اودیه نیز ده باب دارد: احسان، علم، حکمت، بصیرت، فراست، تعظیم، الهام، سکینه، طمانینه و همت.

احوال نیز دارای ده باب است: محبت، غیرت، شوق، قلق، عطش، وجد، دهش، هیمان، برق و ذوق.

ولایات نیز ده باب دارد: لحظ، وقت، صفا، سرور، سرّ، نفس، غربت، غرق، غیبت و تمکّن.

حقائق نیز دارای ده باب است: مکاشفه، مشاهده، معاینه، حیات، قبض، بسط، سُکر، صحو، اتصال و انفصال.

نهایت نیز ده باب دارد: معرفت، فنا، بقا، تحقیق، تلبیس، وجود، تجرید، تفرید، جمع و توحید.<sup>۱</sup>

نفس انسانی، مشتمل از روح حیوانی و اثر روحانی است که به واسطه آن از ارواح حیوانی متمایز می‌شود؛ اما از اصل فطرت خود که در عالم ذر از آن برخوردار بود و پاسخ «بلی»<sup>۲</sup> به پروردگار خود داد و نیز از اصل فطرت روحانی خود، بر اثر غلبه احکام طبیعت و حیوانیت، محجوب شد و دچار غفلت گردید و به لذت‌های زودگذر مختص به نشأ حس، روی آورد.<sup>۳</sup>

آیت‌الله سید مهدی بحر العلوم در رساله سیر و سلوکی که به او منسوب است و علامه طباطبایی در رساله‌ای که شاگردش علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی بر اساس افاضات او زیر عنوان «لَبّ اللباب»، ساماندهی کرده

۱. برای آگاهی بیشتر، به کتاب «ولایت در عرفان» به همین قلم، چاپ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مراجعه شود.

۲. اشاره به آیه ۱۷۲ سوره اعراف: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَكُنَّا عَنَّا هَذَا غَافِلِينَ»: و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم.

۳. ز.ک: محمد ابن حمزه فناری؛ مصباح الأُنس بین المعقول والمشهود؛ ص ۱۴۹-۱۵۰.



است، نیز طرح‌هایی را برای سیر و سلوک ارائه کرده‌اند. علی رضایی تهرانی نیز کتابی زیر عنوان «سیر سلوک؛ طرحی نو در عرفان عملی شیعه» تألیف کرده است.

### ۶. هدف‌های تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، تولید عرفان اهل بیت است؛ اما هدف‌های جانبی عبارت‌اند از:

- الف) ارائه مدلی مطمئن برای سیر و سلوک و دستیابی به مقام قرب حضرت حق و آرامش و اطمینان قلبی.
- ب) پاسخگویی به نیازهای روحی، معنوی و عرفانی طالبان سیر و سلوک.

### ۷. فرضیه تحقیق

فرضیه این تحقیق، این است که در سنت و سیره رسول اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، دستورالعمل‌هایی برای سیر و سلوک به سوی حضرت حق وجود دارد که مطمئن‌ترین طریقه سلوک الی الله است و از کتاب و سنت، قابل استنباط و استنباط می‌باشد.

نسبت و تفاوت فرضیه پیشنهادی تحقیق با فرضیه‌های رقیب، این است که این فرضیه، هم با فرضیه منکران معارف عرفانی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، تفاوت اساسی دارد و هم با ادعای کسانی که همه آموزه‌ها و دستورالعمل‌های سلوکی - عرفانی در عرفان مصطلح موجود را همان معارف عرفانی اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند و میان آنها این همانی قائلند. به زعم نگارنده، این دو فرضیه، به افراط و تفریط گراییده‌اند. نه این ادعا که آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام منحصر به آموزه‌های اعتقادی، فقهی و اخلاقی و عاری از معارف عرفانی و آموزه‌های سلوکی - عرفانی است، قابل قبول است و نه این ادعا که هرچه صوفیه و عرفا گفته‌اند، صد در صد متخذ از کتاب و سنت است. فرضیه دیگری که می‌تواند با این فرضیه به رقابت برخیزد، فرضیه کسانی است که اساساً با عرفان بر سر عناداند و آن را به هیچ روی بر نمی‌تابند.

## ۸. روش تحقیق

ماهیت روش این تحقیق، نقلی و عقلی است. نقلی است؛ از آن روی که با اتکا به آیات قرآن کریم و سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام تهیه و تدوین شده است، عقلی است؛ از آن جهت که در استنباط و دست‌کم استخراج و استفاده از آموزه‌ها و دستورالعمل‌های سلوکی - عرفانی معصومین علیهم‌السلام باید تأمل و تحمل و تحلیل عقلانی صورت می‌گرفت.

## ۹. دشواری‌ها و چالش‌های تحقیق

از جمله دشواری‌هایی که نگارنده با آن روبه‌رو بوده است، یکی این است که در این زمینه کار تحقیقی صورت نگرفته است و محقق باید خود با بررسی و مطالعه دقیق آیات و روایات و ادعیه و مناجات‌های معصومین علیهم‌السلام، به استخراج دستورالعمل‌های سلوکی - عرفانی می‌پرداخت و دیگر، این دغدغه که ممکن است این تحقیق با عکس‌العمل کسانی مواجه شود که به کلی منکر عنصر عرفان در آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت‌اند و اساساً اسلام را فاقد علمی به نام عرفان می‌دانند و عرفان‌ستیز و عرفان‌گریزند و از سوی سوم، با موضوع‌گیری کسانی مواجه شود که عرفان مصطلح موجود را مساوی با عرفان اهل‌بیتی می‌دانند و طرح مباحثی چون عرفان اهل‌بیتی را برنمی‌تابند.

## ۱۰. نوآوری‌های تحقیق

تا کنون کسی تحقیقی درباره دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم‌السلام نوشته و این تحقیق در نوع خود بی‌پیشینه است؛ البته در بعضی از کتاب‌هایی که درباره دستورالعمل‌های علمای شیعه نوشته‌اند، یکی دو دستور از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و انمه علیه‌السلام هم آورده‌اند، ولی با شرح و تحلیل همراه نیست. طبقه‌بندی دستورالعمل‌ها به دو طبقه دستورالعمل‌های سنت‌محور و دستورالعمل‌های سیره‌محور و بررسی و تحلیل آثار مترتب بر آنها از دیگر نوآوری‌های این پژوهش است.

## ۱۱. ساختار تحقیق

این پژوهش در چهار فصل و یک خاتمه سامان یافته است. در فصل اول از کلیات بحث شده و در آن، مباحثی چون مفهوم‌شناسی و ماهیت دستورالعمل و سنت سلوکی، اهمیت دستورالعمل سلوکی معصومان علیهم‌السلام، مختصات دستورالعمل‌های سلوکی آنان، نمونه‌هایی از سنت سلوکی آنان و غایت دستورالعمل سلوکی، مطرح شده است.

در فصل دوم، دستورالعمل‌های عام سنت‌محورانه را در قالب یک دستورالعمل مرکب آورده‌ایم و در ذیل هر دستور، به توضیح و تحلیل آنها پرداخته‌ایم.

در فصل سوم، به بیان دستورالعمل‌های خاص سنت‌محورانه که مخاطب خاص دارند، پرداخته‌ایم.

در فصل چهارم به بیان پیام‌های ان آثار و نتایج دستورالعمل‌های سلوکی معصومین علیهم‌السلام مبادرت کرده و در پایان با یک خاتمه، نقطه پایان بر این دفتر نهاده‌ایم.

امید است این اثر که در نوع خود اثری بی‌پیشینه است، طالبان طریقت و معنویت معصومان علیهم‌السلام را سودمند افتد و دریچه‌ای به سوی عالم ملکوت بگشاید.

و ماتوفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب

حسین روحانی نژاد